



کمیته حقوق بشر
حقوقدانان انگلستان و ویلز
(BHRC)

حقوق اساسی

افغانستان

می ۲۰۰۸

نشرات کمیته حقوق بشر
حقوقدانان انگلستان و ویلز
لندن - (BHRC) 

فهرست مطالب

٦ قانون اساسی افغانستان
٦ آزادی / مراحل قانونی
٧ شکنجه
٨ تجربه بریتانیا
٨ آزادی / مراحل قانونی
٩ شکنجه
١١ تجربه ایالات متحده امریکا
١١ آزادی / مراحل قانونی

حقوق اساسی مقایسوی

اصول عمومی

۱. قانون اساسی چیست؟
۲. قوانین اساسی کدامند؟
۳. منابع قانون اساسی چیست؟
۴. قوانین بین الدول با قوانین اساسی چه ارتباطی دارد؟
۵. چگونه می توان فیصله های مراجع مختلف قضائی را در تفسیر قانون اساسی بکاربرد؟
۶. توجیحات حقوق بشر چی است؟

قانون اساسی افغانستان

آزادی / مراحل قانونی

احکام قانون اساسی افغانستان در رابطه با آزادی و مراحل قانونی قرار ذیل اند:

"

ماده بیست و چهارم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه باصلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و هفتم

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه باصلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده سی و یکم

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل مدافع از هر نوع تعرض مصئون می باشد.

وظایف و صلاحیتهای وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد."

شکنجه

احکام مربوط به شکنجه عبارت اند از:

"

ماده بیست ونهم

تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف ویا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزائی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اقرار به دست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت."

نقش حقوق بین الدول

به ارتباط نقش حقوق بین الدول احکام ذیل در قانون اساسی افغانستان وجود دارد:

"

ماده هفتم

دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاقهای بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند."

آزادی / مراحل قانونی

بعد از حملات یازدهم سپتمبر در نیویورک، دولت بریتانیا "قانون ضد تروریسم، جرایم و تامین امنیت ۲۰۰۱" (ATCSA ۲۰۰۱) را به تصویب رساند. این قانون به وزیر داخله (یک عضو اجرایی این قانون) قدرت بازداشت خارجیهای "معقولاً مشکوک" به تروریست بین المللی را میداد. در قضیه A and others در مقابل وزیر داخله، مجلس اعیان بریتانیا میبایست قانونی بودن این مقررات را بررسی میکرد. در این رابطه:

(۱) اول از همه، این مقررات ناقض ماده (۱) ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ("the ECHR") میباشد که مطابق آن: "هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد" و اینکه "هیچ کس از آزادی اش محروم نخواهد شد" مگر درحالات معین و مشخص که هیچ کدام درمورد این قضیه صدق نمیکند.

(۲) ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به کشورها اجازه میدهد برخی مقررات این کنوانسیون، (به شمول ماده ۵) را نادیده گیرد فقط "در زمان جنگ یا دیگر حالات اضطرار عمومی که زندگی و امنیت ملی را تهدید میکند".

(۳) دولت بریتانیا استدلال نمود که (الف) به دلیل تهدید تروریستی که ملت این کشور با آن روبروست، حق آن را دارد که (براساس ماده ۱۵) خود را از التزام در مقابل ماده ۵ مبرا بداند و به همین دلیل (ب) قدرت بازداشت اعطا شده براساس قانون ۲۰۰۱ ATCSA مشروعیت دارد.

(۴) مجلس اعیان بریتانیا این استدلال را رد کرده و حکم داد که صلاحیت بازداشت اعطا شده براساس قانون ۲۰۰۱ ATCSA با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ناسازگار است:

الف) محکمه خاطر نشان ساخت که به صورت عمومی "حبس به مدت نامعین بدون اتهام یا محاکمه در هر کشوری که حاکمیت قانون را برقرار میداند، مردود شناخته میشود" (مراجعه کنید به لارد نیکلاس، پاراگراف ۷۴)

ب) در این مورد قانون ATCSA هیچ نوع صلاحیت بازداشت (بدون اتهام) را برای شهروندان بریتانیا که مظنون به تروریست باشند، مشخص نکرده است. به همین دلیل مجلس

اعیان، فیصله کرد که صلاحیت بازداشت در قانون ATCSA که محدود به شهروندان غیربریتانیاییست، معقول نبوده و تبعیض آمیز است.

ج) یکی از قضات، لارد هافمن، از این هم فراتر رفته و اظهار کرد که "هیچ تهدیدی به زندگی و امنیت ملت" طوری که در ماده پانزده کنوانسیون اروپایی ذکر شده، وجود ندارد: "تهدید واقعی به امنیت ملی و زندگی ملتی که مطابق قوانین متعارف و ارزشهای سیاسی زندگی میکنند، از تروریزم ناشی نمیشود، بلکه از قوانینی مانند همین قانون ضد تروریزم برمیخیزند." (مراجعه به پاراگراف ۹۷)

در پاسخ به این تصمیم، پارلمان "قانون جلوگیری از تروریزم ۲۰۰۵" را تصویب کرد. این قانون قدرت "کنترل نظم" را اعطا میکند، که براساس آن بر هر فردی که به طور معقولی مشکوک به دست داشتن در اعمال تروریستی باشد، محدودیتهایی اعمال میشود. اگر آشکار ساختن دلیل اعمال حکم بر فرد مورد نظر و یا دادن اطلاعاتی که حکم مبتنی بر آن باشد، مغایر با منافع عمومی پنداشته شود، آنگاه فرد مورد نظر هیچ حقی برای دانستن دلیل و یا اطلاعات را نخواهد داشت.

در قضیه وزیرداخله درمقابل ج ج و دیگران [۲۰۰۷] UKHL۴۵، مجلس اعیان این موضوع را بررسی کرد که آیا برخی دستورات کنترل نظم، (که مثلا از فرد میخواهد ۱۸ ساعت روز را در منزل خود بگذراند) به مثابه "محرومیت از آزادی" بنا به معنای ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هست یا خیر. مجلس اعیان با اکثریت ۲/۳ مقرر داشت که این دستورات با در نظرداشت نوع، مدت آن، تاثیرات و روش تطبیق آن، مغایر با کنوانسیون اروپایی میباشد.

شکنجه

در قضیه آ و دیگران در مقابل داخله [۲۰۰۵] UKHL۷۱، مجلس اعیان این موضوع را بررسی کرد که آیا مواردی بوده که در آن احتمالا شواهد بدست آمده از طریق شکنجه به شکلی از اشکال مختلف در مراحل قضایی ارائه شده باشد یا خیر. این سوال در زمینه مراحل قضایی مطرح شد که مرتبط با بازداشت افرادی باشد که توسط حکومت به عنوان "مظنون به تروریست بین المللی" معرفی شده و آن افراد حکومت را در برابر این مظنونیت به چالش کشیده باشند.

مسئله مشخص این بود که آیا شواهد بدست آمده از طریق شکنجه توسط یک حکومت خارجی، بدون آنکه بریتانیا به هیچ شکلی در آن دست داشته باشد، میتواند به مراحل قضایی ارائه گردد

یاخیر. مجلس اعیان فیصله کرد که یک ممانعت مطلق در برابر ارائه چنان شواهدی در هر مرحله از مراحل قضایی وجود دارد. بخش های مهم این بیانیه ها از قرار ذیل اند:

"قوانین عمومی انگلیسی شکنجه و ثمره آنرا در پنجمصد سال گذشته با تنفر و انزجار نگریسته است، و این انزجار اکنون از سوی بیش از ۱۴۰ کشور جهان ابراز میشود که پیمان منع شکنجه را پذیرفته اند" (لارد بنگهام پاراگراف ۵۱)

"اصل قوانین عمومی، به تنهایی خود... دستور به ممانعت از... شواهد بدست آمده از طریق شکنجه را میدهد و آن را، نامعتبر، غیرمنصفانه، توهین آمیز نسبت به معیارهای انسانی و حیثیت خواننده و اینگونه شواهد را ناسازگار با اصولی میداند که یک محاکمه برای کسب عدالت باید رعایت کند."

"استفاده از شکنجه توهین آمیز است. شکنجه، حکومتی را که از آن استفاده میکند و سیستم قضایی که شواهد بدست آمده از این طریق را قبول میکند، فاسد و حقیر میسازد. در زمانی که سیستم قضایی مبتنی بر شکنجه یک امر قابل قبول در تمام اروپا بود، رد آن توسط قوانین عمومی منبع افتخار و غرور ملی و تحسین روشنفکران و نویسندگان خارجی همچون ولتر و بکاریا بود." (لارد هافمن پاراگراف ۸۲)

"قانون استفاده از شکنجه را به هر منظوری که باشد، حمایت نمیکند. شکنجه هیچ جایگاهی در دفاع از آزادی و دموکراسی ندارد که موجودیت آنها وابسته به رد استفاده از چنین روشهایی توسط مسئولان است... هرگاه شکنجه در یک سیستم قضایی رایج شود، همانند مرضی ساری گسترش میابد و کسانی را که از این متد کار میگیرند سنگدل تر و بیرحم تر میسازد." (لارد هوپ، پاراگراف ۱۱۲-۱۱۳)

"وظیفه عدم پشتیبانی از استفاده از شکنجه و شواهد بدست آمده از این طریق در مراحل قضایی، باید متعالی شمرده شود... اجازه دادن به ارائه چنین شواهدی در مراحل قضایی، وجدان را تکان داده، باعث سوء استفاده و تنزل سیستم قضایی شده و حکومت را در یک آلودگی غیر اخلاقی دخیل میسازد." (لارد کارس ول پاراگراف ۱۵۰)

آزادی/مراحل قانونی

در قضیه حمدی در مقابل رامسفلد^۱ دادگاه عالی ایالات متحده باید بر شهروندان امریکایی که توسط مقامات این کشور به عنوان "جنگجوی دشمن" بازداشت شده بودند، حداقل لازم از انصاف را قائل میشد. قاضی اوکانر، در فیصله خود نکات ذیل را اظهار داشت:

"... مراحل قانونی نیازمند آن است که به شهروندی که در ایالات متحده به عنوان جنگجوی دشمن بازداشت شده، یک فرصت لازم برای اعتراض به دلایل بازداشتش در مقابل یک تصمیم گیرنده بی طرف داده شود." (ص. ۶ ستون ۲) ... حفظ توازن مناسب اصول قانون اساسی در این جا، برای ملت در دوران نبرد دوام دار از اهمیت فوق العاده برخوردار است. اما به همان اندازه هم مهم است که محاسبات ما در حفظ ارزشهایی که این کشور آنها را عزیز میدارد، و یا امتیازات شهروندی آمریکا کوتاهی نکند.

در جریان پرچالش ترین و نامطمئن ترین لحظات است که تعهد ملت ما به مراحل قانونی بیش از هر وقت دیگر به بوته آزمایش گذاشته میشود؛ و در همین زمان است که ما باید تعهد خود را در داخل به اصولی که به خاطر آن در خارج جنگیده ایم، حفظ کنیم. (ص ۱۶ ستون ۱) ... یک شهروند بازداشت شده که خواهان به چالش کشیدن معرفی خود به عنوان جنگجوی دشمن است، باید در جریان مستندات مرتبط با آن قرار گیرد و به او یک فرصت منصفانه برای مقابله با ادعای حکومت، در مقابل یک مرجع تصمیم گیرنده بیطرف داده شود.... این حقوق مهم برخاسته از قانون اساسی هرگز از بین رفته نمیتواند."

قاضی او کانر، قبول کرد که برخی تعدیلهای در پروسه های عادی قابل قبول است به شرط آنکه حقوق برخاسته از قانون اساسی مورد اشاره او محترم شمرده شود. او اظهارات ذیل را در باره این تعدیلات مجاز ارائه کرد:

"در عین حال، مقتضای شرایط ممکن است آن باشد که به جز در مورد عناصر اصلی، جریان قضایی جنگجویان دشمن میتواند طوری طرح شود تا پتانسیل غیر معمول آنها، برای ایجاد بار

^۱ ۵۴۲ U.S. ۵۰۷ (۲۰۰۴)

بیشتر بر روی مجری قانون، در شرایطی که یک منازعهء نظامی در جریان است، سبک شود. [۵۳۴] مثلاً شایعات شنیده شده، ممکن است به عنوان معتبرترین سند حکومت در یک مرحله قضایی قابل قبول باشد. همچنین قانون اساسی از تصور یک فرضیه به نفع شواهد حکومتی خدشه دار نخواهد شد، تا جاییکه آن فرضیه قابل چالش باشد و فرصت منصفانه ای برای مقابله با آن داده شود. ... در مجموع، در حالی که حفاظت کاملی که همراه با به چالش کشیدن بازداشت وجود دارد، کارآمد نبوده و یا در حالت یک جنگجوی دشمن مناسب نباشد، تهدیدها نسبت به عملیاتهای نظامی، ناشی از یک سیستم ابتدایی بازنگری مستقل و شنود قضیه توسط یک تصمیم گیرنده بیطرف، چندان سنگین نیست که حقوق اصلی شهروندی برای چالش مناسب دولت را زایل سازد.

در قضیه بعدی حمدان در مقابل رامسفلد نیز دادگاه عالی موضعگیری مشابهی داشت. آقای حمدان، یک شهروند یمنی، توسط نیروهای شبه نظامی در نومبر سال ۲۰۰۱ در جریان تجاوز به افغانستان دستگیر شد و به نظامیان امریکایی تسلیم داده شد. در جون ۲۰۰۲ او به بازداشتگاه گوانتانامو فرستاده شد. آقای حمدان منصفانه بودن و مشروعیت "کمیسیونهای نظامی" را به چالش کشید. کمیسیونهایی که ادارهء بوش برای مراحل قضایی در بازداشتگاه گوانتانامو تشکیل داده بود. قاضی استیونس اظهار داشت که این کمیونها "بدون اختلاف نظر، یک بخشی از قوانین انعطاف پذیر بین المللی است که براساس آن متهم باید برای محاکمه خود حاضر و نسبت به شواهد بر ضد خود آگاه باشد" که در واقع تاییدی بود بر اظهارات قبلی دادگاه که گفته بود "حاکمیت قانون متعارف، بر عدالت طبیعی استوار است که براساس آن هیچ کس بر حسب شواهدی که امکان و آزادی بررسی آن را نداشته، پیشداوری نخواهد شد."^۲

^۲ ۵۴۸ U.S. (۲۰۰۶) ص ۷۱-۷۲